

کاربرد هنری «مراعات نظیر» در زیباشناسی سروده‌های صفای اصفهانی

نجمه عرب پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی.

چکیده.

کاربرد صنایع بدیعی در زیباسازی متون نظم دارای اهمیت فراوانی است به گونه‌ای که اگر شاعری از صنایع بدیعی به وفور استفاده کند، خلاقیت او در بهره‌گیری از صور خیال را نشان می‌دهد و این امر دارای مزیت بالای نسبت به دیگر سروده‌های شاعران خواهد بود. صفای اصفهانی از جمله شاعرانی است که از صنایع بدیعی در حد معقولی بهره برده و اشعار دل‌انگیزی را سروده است. یکی از این صنایع، مراعات نظیر است. کاربرد مراعات نظیر در اشعار صفای اصفهانی به قدری دارای تنوع است که اشعار او را از یکنواختی خارج می‌سازد و ضرب‌آهنگ خاصی را به اشعار او بخشیده است. بهره‌گیری او از طبیعت و اصطلاحات مکتب‌خانه‌ها و ابزارآلات جنگی به قدر اشعار او را تحت تأثیر قرار داده که مهارت صفای اصفهانی را در کاربرد مراعات نظیر بیان می‌کند. وی همچنین از اسامی پیامبران و مواردی که به مذهب مربوط است بهره می‌گیرد و سروده‌هایی را بیان می‌دارد که رنگ و بوی خاصی را به اشعار او داده است. تنوع استفاده از مراعات نظیر در اشعار او به قدری زیاد است که مخاطب از خوانش اشعار او دچار ملال و خستگی نمی‌شود. این تحقیق با روش تحلیل و توصیف اشعار صفای اصفهانی سروده شده که ضمن آوردن شواهد مثال از دیوان او، آنها را دسته‌بندی نموده و مورد تحلیل و واکاوی قرار داده‌ایم.

کلیدواژگان: بدیع لفظی، مراعات نظیر، صفای اصفهانی، دوره بازگشت ادبی



مقدمه.

تحقیق در متون بلاغی و صورخیال به کار رفته در آثار نظم و نثر، راهی برای یافتن تفکرات شعرا و نویسندگان است که با استفاده از صورخیال مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. استفاده از صور خیال راهکاری مهم برای جذب مخاطب و نشان دادن قدرت تخیل شاعران است. در تعریف آن آمده است که «صور خیال معادل ایماژ و چیزی است که یک عقده عاطفی را در یک لحظه زمانی بیان می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۲). شفیع کدکنی نیز درباره صورخیال می‌گوید «تصرف ذهنی شاعر در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را خیال یا تصویر می‌نامیم» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۵: ۴۵). براین اساس باید گفت «تصویر خود یک هدف است و شعر تنها برای خلق آن به نگارش درمی‌آید» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲). پس به طور خلاصه می‌توان گفت «تصویر، هرگونه کاربرد زبان مجازی است که شامل همه صناعات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، تمثیل، حس آمیزی و... شود» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۵). بنابراین باید گفت، صور خیال از جمله راهکارهایی است که به علت تنوع بسیار در مباحث، به طور قابل توجهی مورد استفاده شعرا و نویسندگان قرار گرفته است که شامل بیان و بدیع است. درباره علم بدیع باید گفت، «بدیع در لغت به معنی هر چیز تازه و در اصطلاح، آرایش سخن فصیح است» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۸). شمیسا نیز درباره بدیع می‌گوید «بدیع علمی است که از وجوه تحسین کلام بحث می‌کند و مجموعه شگردهایی است که کلام عادی را کم و بیش به کلام ادبی تبدیل می‌کند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۱). همچنین باید توجه داشت که معنای اصطلاحی علم بدیع، با تاریخچه تکامل یافته علم بلاغت مرتبط است. به گونه‌ای که از علم بدیع به عنوان یکی از سه شاخه علم بلاغت نام برده‌اند و چه بسا کتب گوناگونی نیز در این باره تدوین کرده‌اند. هر چند «در ابتدا از فن بدیع در قسمت علم معانی سخن به میان آورده بودند» (همان) اما این رویه کم کم مسیر تازه‌ای را طی نمود به طوری که علم بدیع، به صورت یک علم مستقل درآمد؛ به طوری که «عبدالقادر جرجانی، بلاغت را به سه دسته (معانی، بیان، بدیع) تقسیم بندی کرد و از بدیع با دو بخش بدیع لفظی و معنوی از دیگر شاخه‌های علم بلاغت تفکیک نمود» (عمارتنی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲۶). پس با مطالعه در علم بدیع متوجه خواهیم شد که کاربرد این علم در سروده‌های شعرا، سبب می‌شود تا با انواع مختلف بیان شعری رو به رو گردیم. اما بر خلاف بدیع که به وجوه مختلف بیان شعری، توصیف ویژگی‌ها و مشخصات آن و

تلاش برای تعریف آن می‌پردازد، علم بیان بر اساس تعریفی که جاحظ از آن ارائه می‌دهد، به «فهم و افهام» توجه داشت». (اکبری و ابوعلی: ۱۳۹۷: ۱۷). شمیسا درباره علم بیان می‌گوید «علم بیان مربوط به معناست. از این رو علمی جهانی است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۹). به هر حال استادان بلاغت از بیان تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند که در این میان خطیب قزوینی روش‌های علم مذکور را این‌گونه بیان می‌کند «منظور از علم بیان، روش‌های گوناگون، کنایه، مجاز، تشبیه و استعاره است» (خطیب قزوینی، ۲۰۱۰: ۲۵۸). هر چند تعریف دکتر کزازی نیز به نوعی مکمل تعاریف بیان شده است «بیان دانشی است که در آن از چگونگی بازگفت و بازنمود اندیشه‌ای به شیوه‌های گونه‌گون بحث می‌کند» (کزازی، ۱۳۶۸: ۳۰). اهمیت علم بیان از آن جهت مورد توجه است که «به وسیله علم بیان با شیوه‌های مختلف ادای معانی واحد آشنا می‌شویم و می‌آموزیم که چگونه باید مراد شاعران را از واژه‌ها و عباراتی را که در معنای اصلی به کار نرفته‌اند را دریافت. پس علم بیان راه ورود به دنیای ادبیات است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۹-۳۰). به هر حال بدیع و بیان، به کمک شعر آمده است تا قدرت تخیل و تصاویر ذهنی آنان را اعتلا ببخشد و بتواند به کمک علوم مذکور، فن بیان خویش را برای مخاطبان ترسیم نمایند. بنابراین یکی از راههای شناخت زیبایی شعر، پژوهش در نحوه به کارگیری علوم مذکور در سروده‌های آنان است. در این میان صفای اصفهانی از جمله شاعرانی است که از علم بدیع در سروده‌های خود بهره برده و اشعاری ناب سروده است که در این تحقیق برآنیم سروده‌های او را از نظر علم بدیع (مراعات نظیر) مورد واکاوی قرار دهیم.

پیشینه تحقیق.

- درباره صفای اصفهانی، تاکنون پژوهشهای مختلفی صورت گرفته که به ذکر آنها خواهیم پرداخت
- سیف (۱۳۸۷). در بخشی از پایان نامه خود تحت عنوان «عرفان در دوره بازگشت ادبی با رویکرد به چهار شاعر این دوره (فروغی بسطامی، نشاط اصفهانی، میرزا حبیب خراسانی، صفای اصفهانی)» به بررسی عرفان در شعر صفای اصفهانی پرداخته است.
 - وفایی کریم آبادی (۱۳۹۱) در پایان نامه خود تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های سبکی غزل‌های حکیم صفای اصفهانی» سعی کرده است که به صورتی دقیق و علمی بر اساس منابع معتبر و شناخته شده، مطالعات سبکی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری در مورد غزل صفا انجام دهد.



- خراسانی (۱۳۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان: «سطری چند راجع به شرح حال صفای اصفهانی» به بررسی احوال اصفهانی پرداخته است.

- شریفی دارانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تلمیحات و اشارات قرآنی و احادیث در دیوان صفای اصفهانی»، با حفظ تعاریف سنتی تلمیح به دسته بندی انواع آن در دیوان صفای فریدنی پرداخته است.

با توجه به پیشینه‌های فوق می‌توان اذعان کرد که این پژوهش دارای نوآوری است.

بحث و بررسی.

یکی از مباحثی که در علم بدیع مورد توجه قرار گرفته، مراعات نظیر است. در تعریف آن آمده «مراعات نظیر زمانی در متن اتفاق می‌افتد که برخی از واژه‌های کلام، اجزائی از یک کل باشند و از این جهت بین آنها ارتباط و تناسب باشد» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۸۷). همچنین در جایی دیگر در تعریف آن آمده است «مراعات نظیر، این است که در سخن واژه‌هایی را بگنجانند که از جهتی مفهوم آنها نظیر یا متناسب هم باشد. مانند پسته، بادام و فندق در بیتی آوردن» (نوروزی، ۱۳۷۸: ۹۹). وحیدیان کامیار نیز درباره مراعات نظیر می‌نویسد: «یکی از ترفندهایی که زیبایی آن ناشی از تناسب و هماهنگی است مراعات نظیر نام دارد. و آن آوردن واژه‌هایی است در سخن که از نظر معنی با هم تناسب داشته - غیر از تضاد و یادآور یکدیگر باشند. این تناسب ممکن است از نظر هم جنس بودن باشد مانند گل و سبزه، چشم و ابرو یا از نظر مجاورت مانند شمع و پروانه، گل و بلبل.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۵۵).

با توجه به توضیحات فوق، به بررسی انواع مراعات نظیر در زیباشناسی اشعار صفای اصفهانی خواهیم پرداخت.

۱. مراعات نظیر درباره طبیعت

اولین موردی که به عنوان مراعات نظیر در اشعار صفای اصفهانی قابل بحث و بررسی است، استفاده از مضامین طبیعت می‌باشد. شاعر در سروده‌های خویش از مواردی بهره می‌برد که همواره در طبیعت وجود دارند و تناسبی که میان آن وجود دارد را به صورت مراعات نظیر به کار برده است. موارد زیر گویای این امر است.

- با دوست نیندیشم در این دی و این بهمن آن طرفه بهار خوش با آن گل و ریحان‌ها

(صفای اصفهانی، ۱۳۳۷: ۱۷۴)

واژگان مراعات نظیر: بهار – گل – ریحان

- در دیده پندار زخم خار که بشکفت از باغ حقیقت گل بینخار حقیقت

(همان: ۱۹۸)

مراعات نظیر بین واژه‌های: خار، شکفت، باغ، گل که اصطلاحات مربوط به طبیعت است.

- که هست از قضا هشت چیزم مسخر گل و لاله و سنبل و سوسن و می

(همان: ۴۵)

مراعات نظیر بین واژه‌های: گل، لاله، سنبل و سوسن که نام گل‌ها هستند.

- این گل از باغ که بشکفت که چون بلبل باغ از گلی من سودازده آواز گشود

(همان، ۲۱۲)

مراعات نظیر میان واژگان: باغ – بلبل – گل – شکفتن

- هنگام زمستان شد مشکوی گلستان شد کز میکده در مشکوی آن باغ بهار آمد..

(همان، ۳۹)

مراعات نظیر میان واژگان: گلستان – باغ – بهار

۲. مراعات نظیر مربوط به حیوانات و پرندگان

دومین موردی که به عنوان مراعات نظیر در سروده‌های صفای اصفهانی می‌توان از آن یاد کرد، استفاده از نام‌های پرندگان و حیوانات است. شاعر در این بخش، اسامی حیوانات و پرندگان را به زیبایی هر چه تمامتر در کنار هم قرار داده و تصویری ناب را خلق نموده است که به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

- شاهین مرا شهپر سیمرغ و در آن زلف افتاده چو تیهوست که در چنگل بازست

(همان: ۱۸۸)

در نمونه بیان شده، مراعات نظیر میان واژه‌های شاهین، سیمرغ، تیهو و باز که نام پرندگان شکاری هستند بارز است.

- دل مرغ نارسته پر بود پر داد و پرواز عشقش سیمرغ قاف حقیقت طاوس باغ جنان شد

(همان: ۲۰۵)

مراعات نظیر میان واژگان: مرغ- سیمرغ - طاووس

- نفس روباه دنی را همه عصفور ضعیف باز بازوی شه و ضیغم غابست دلم
(همان، ۲۴۷)

در نمونه بیان شده، مراعات نظیر میان واژگان: روباه، ضیغم و غاب که نام حیوانات هستند مشهود است.

- صفا بود چو تیهو که بسر پنجه بازست و بر دست شه آن باز ازل شاه رضا بود
(همان، ۲۲۶)

مراعات نظیر میان واژگان: تیهو- پنجه - باز

- پر دهم گر صعوه را از عشق عنقای قدم قاف را تا قاف پر سیمرغ و پر شاهین کنم
(همان، ۱۸۸)

مراعات نظیر میان واژگان: صعوه- عنقا - سیمرغ - شاهین

- قمری دری سراید و دراج پهلوی طوطی فسانه گوید و طاوس داستان
(همان، ۲۸۷)

مراعات نظیر میان واژگان: قمری- دُراج - طوطی - طاوس

- زند کبوتر ما در هوای بام تو پر شکار نسر حقیقت کند کبوتر ما
(همان، ۱۲۶)

مراعات نظیر میان واژگان: کبوتر- پر- شکار- نسر

۳. اصطلاحات نجوم و صور فلکی

از موارد دیگری که به عنوان مراعات نظیر در سروده‌های صفای اصفهانی می‌توان به آن اشاره کرد، بهره‌گیری شاعر از اصطلاحات نجوم و صور فلکی است که همواره در شعر شاعران پیشین نیز به چشم می‌خورد. باید گفت که استفاده از این گونه اصطلاحات، همواره نشان دهنده مهارت شاعر یا نویسنده در اشراف بر علم نجوم بوده که حتی در اشعار خاقانی و نظامی نیز به خوبی دیده می‌شود. نمونه‌های آن در اشعار صفای اصفهانی به شرح زیر است.

- باریک میان و نغز و طناز و کشی مه پیکر و زهره وار و خورشید وشی
(همان، همان، ۲۸۱).

در نمونه بیان شده، مراعات نظیر میان واژگان ماه- زهره و خورشید مشهود است.

- شمس ذات و قمر و انجم اسما و صفات تو چه دانی که باین ذره چها بخشیدند
(همان، ۲۲۴)

مراعات نظیر میان واژگان: شمس - قمر - انجم - اسما

- هنوز کوکب و دور و مدار چرخ نبود که سر زد از افق چرخ عشق کوکب ما
(همان: ۱۷۷)

مراعات نظیر بین واژه های: کوکب، دور، مدار، چرخ، افق که اصطلاحات سماوی هستند.

- هنوز کوکب و دور و مدار چرخ نبود که سر زد از افق چرخ عشق کوکب ما
(همان، ۱۷۷).

مراعات نظیر میان واژگان: کوکب- مدار- چرخ- افق

- قبله اجرام فلک یوسف من بود و به امر از زبر ماه به زیر آمده در چاه شدم
(همان، ۲۱۳).

مراعات نظیر میان واژگان: اجرام - فلک - ماه

۴. اصطلاحات مربوط به سوارکاری و جنگ

مورد دیگری که صفای اصفهانی از آن به عنوان مراعات نظیر بهره برده، کاربرد اصطلاحاتی است که همواره در سوارکاری و جنگ‌ها کاربرد دارند. باید گفت این اصطلاحات در بیشتر موارد یا اسامی ابزارآلات جنگی هستند و یا اصطلاحاتی است که در سوارکاری به کار می‌روند که در سروده‌های صفای اصفهانی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

- بر رخس خرد زن زین زین خوان زحل بگذر کاین گرگ دغل درد خفتان تهمتن ها
(همان، ۳۶)

واژگان مراعات نظیر: رخس- خفتان - تهمتن

- پیاده گشت از آن خنگ شبرو رهوار نهاد پای طلب در رکاب رفرع عشق
(همان، ۱۴۹)

واژگان مراعات نظیر: خنگ- رهوار- رکاب - رفرع

- ای شهسوار عرصه سرمد رکاب زن ملک وجود نعل بهای سمند تست

(همان، ۴۹).

واژگان مراعات نظیر: رکاب- نعل- سمند

۵. اصطلاحات مربوط به اعضای بدن

صفای اصفهانی از جمله شاعرانی است که همواره از اعضای بدن به صورت واضح در اشعار خود استفاده کرده و به کمک علم بدیع، مراعات نظیر را در سروده‌های خود به کار برده است. نمونه‌های ذیل بیانگر این امر است:

- در سینه است و در دل ما سر عشق و هست غافل ز سر ما سر ناهوشمند ما

(همان، ۱۷۳)

مراعات نظیر در واژگان: سینه - سر- دل

- بی سر و بی پای گر باشیم و بی سامان چه باک در بساط فقر فرق تاجور خواهیم داشت

(همان، ۱۸۲)

مراعات نظیر در واژگان: سر- پا- فرق

- بر گونه ذاتم رقم نقطه توحید چون خال سیه بر رخ خوبان طرازست

(همان، ۱۸۹)

مراعات نظیر در واژگان: خال- گونه - رخ

- مرا او در سرست و سینه و دل کجا باشد که او را نیست منزل

(همان، ۲۶۵)

مراعات نظیر در واژگان: سر- سینه - دل

- خدا چشمست و گوش و دست و پایش هوایش مرده در پای خدایش

(همان، ۲۹۹)

مراعات نظیر در واژگان: چشم- گوش- دست- پا

- با زلف تو صد پیمان دل بست به دستان‌ها بشکست و گسست از هم سر رشته پیمان‌ها

(همان، ۲۱۵)

مراعات نظیر در واژگان: زلف- دل- دست

۶. اصطلاحات مربوط به می و مستی



صفای اصفهانی از جمله شاعرانی است که اصطلاحات مربوط به می و مستی به صورت مراعات نظیر بسیار استفاده کرده و واژگانی را در اشعارش به کار می‌برد که حول محور همین امر کاربرد دارد. نمونه‌های پیش‌رو گویای وجود مراعات نظیر به کمک اصطلاحات می و مستی است.

- میخانه است خانه ما بی سبوی و جام سر دلست و دل می و جام و سبوی دوست
(همان، ۱۹۱)

مراعات نظیر در واژگان: میخانه - سبو - جام - می

آمد از میکده بیرون پسری جام به دست طره اش غالیه افشان و لبش باده پرست
(همان، ۲۳۵)

مراعات نظیر در واژگان: میکده - جام - باده

- صبحست و یار ساقی و من در خمار دوش یارب پذیر عذر لب میگسار من
(همان، ۲۶۹)

مراعات نظیر در واژگان: ساقی - خمار - میگسار

- من مست صهبای باقی زان ساتکین رواقی فکر تو در بزم ساقی ذکر تو رامشگر من
(همان، ۲۶۶).

مراعات نظیر در واژگان: مست - صهبا - ساتکین - بزم - ساقی - رامشگر

۷. مراعات نظیر به پیامبران و ائمه

گاهی شاعر، برای آنکه سروده‌هایش را با شیوه‌ای متفاوت عرضه کند، از دو روش بدیع، یعنی مراعات نظیر و تلمیح بهره می‌گیرد تا این تلفیق مراعات نظیر و تلمیح، شکل جالبی را به اشعارش دهد.

صبای اصفهانی در این بخش، از پیامبران و ائمه به صورت مراعات نظیر استفاده کرده و اعمالی که مربوط به آنها است را در کنار اسامی آنان ذکر کرده که علاوه بر تلمیح، مراعات نظیر جالب توجهی را خلق نموده است که نمونه‌های پیش‌رو گویای این امر است.

- گر دل بریان خوری زن در بی‌دولتان بر سر خوان فنا جز جگر ریش نیست
(همان، ۱۸۵).

در بیت فوق، مراعات نظیر میان واژه‌های: مرحب، ذوالفقار و خیبر که اصطلاحات مربوط به غزوه فتح خیبر هستند بارز است.

- براهیم نبود آذر جان بود بعشاق براهیم و سماعیل در آن کوی فدا بود
(همان: ۲۲۶)

مراعات نظیر میان واژگان: براهیم، آذر، سماعیل که قصه قرآنی حضرت ابراهیم هستند نمود دارد.
- فرعون و دیو آواره شد زین در که دارد سر ما بیضای موسی بر کف و دست سلیمان در بغل
(همان، ۱۲۵)

مراعات نظیر میان واژگان: فرعون - بیضا - موسی
- آتش طور و طوی را قسم نار موسی کف عیسی نفسم
(همان، ۱۳۱)

مراعات نظیر میان واژگان: طور - نار - موسی
- آن یوسف جان درآید از زندان صد یوسف مصر مفتن گردد
(همان، ۲۴۹)

مراعات نظیر میان واژگان: یوسف - مصر - زندان
- در مصر هوی تا کی مملوک زنان بودن آهنگ عزیزی کن ای یوسف زندانی
(همان، ۲۶۱)

مراعات نظیر میان واژگان: مصر - عزیز - یوسف - زندان
- گل خلیل دماند ز آتش نمرود چه معجزست که پیغمبر صبا آورد
(همان، ۲۳۶)

مراعات نظیر میان واژگان: خلیل - آتش - نمرود - پیغمبر

۸. مراعات نظیر به اصطلاحات مذهبی

یکی دیگر از مواردی که در اشعار صبای اصفهانی از نمود جالب توجهی برخوردار است، بهره‌گیری از اصطلاحاتی است که در امور مذهبی کاربرد دارند. وی با کمک این گونه اصطلاحات، به اشعار خود رنگ و بوی مذهبی داده که نمونه‌های ذیل، گویای این مطلب است.

- کن سجده بخم ای که وضو ساختی از می این زمزم و این قبله ارباب نیاز ست

(همان، ۱۸۸)

مراعات نظیر میان واژگان: سجده - وضو - قبله

- امشب شب قدرست و در میکده بازست تطهیر کن از باده که هنگام نمازست

(همان، ۱۸۸)

مراعات نظیر میان واژگان: شب قدر - تطهیر - نماز

- بود وضوی من از آب چشم و طاعتم این که رو بقبله ابروی او نماز کنم

(همان، ۲۱۲)

مراعات نظیر میان واژگان: وضو - قبله - نماز

۹. مراعات نظیر به اصطلاحات مکتب‌خانه

یکی دیگر از انواع مراعات نظیری که به اشعار صفای اصفهانی تنوع تازه‌ای بخشیده، بهره‌گیری از اصطلاحاتی است که دربارهٔ مکتب‌خانه‌ها و یادگیری به کار می‌رود. در ذیل، به مواردی که در سروده‌های او ذکر شده خواهیم پرداخت:

- بی نقطه و بی خط نبود دایره موجود دل نقطه و هستی خط پرگار حقیقت

(همان، ۱۹۸)

مراعات نظیر میان واژگان: نقطه - دایره - پرگار

- مدار دور بعشق محمدست و علی و یازده خلف از نقطه تا خط پرگار

(همان، ۲۳۶)

مراعات نظیر میان واژگان: یازده - نقطه - پرگار

- حکایت سر زلف تو ذکر دایم دل فسانه غم عشق تو درس مکتب ما

(همان، ۱۷۷)

مراعات نظیر میان واژگان: حکایت - فسانه - درس - مکتب.

- این طفل بی درک و دانش در مکتب پیر تعلیم شاگردی درس غم کرد صاحب‌دل و نکته دان شد

(همان، ۲۰۵)

مراعات نظیر میان واژگان: طفل - شاگرد - تعلیم - پیر - درس - مکتب

- ندیده بود دلم مکتب معلم عشق چو دید دید که در اوست صد هزار آداب

(همان، ۱۶۸)

مراعات نظیر میان واژگان: مکتب- معلم - آداب

۱۰. سایر

آخرین موردی که در اشعار صفای فراهانی به عنوان مراعات نظیر می توان از آن یاد کرد، بهره گیری از سایر واژگان و اصطلاحاتی است که به علت بسامد کم، در این بخش ذکر شده که به صورت خلاصه به ذکر پاره ای از آنها خواهیم پرداخت.

- دل شد آزاد چو او از شکن زلف بخال گره و سلسله و خم بسر شانه گشود

(همان: ۲۲۲)

مراعات نظیر میان واژگان: زلف- شکن - خم - گره - سلسله - شانه

- دل کزو عطر مشام الله بمغز جان رسید کی تواند منت مشک تتاری داشتن

(همان: ۱۱۱)

مراعات نظیر بین واژه های: عطر، مشام، مشک که اصطلاحات مربوط به خوشبوها هستند

- شد ز وجوب آشکار کرد بامکان غروب مغرب او در شمال مشرق او از جنوب

(همان: ۱۳۴)

مراعات نظیر بین واژه های: مغرب، شمال، مشرق، جنوب که جهت های جغرافیایی هستند.

- خم زلف و قد بر رفته بچوگان و بتیر لب لعل و زنج ساده بیاقوت و گهر

(همان: ۳۹)

مراعات نظیر بین واژه های: لعل، یاقوت، گهر که نام نگین های قیمتی هستند

- بود او نقطه و ادوار و اکوار باو پیوسته چونان خط پرگار

(همان: ۲۹۹)

مراعات نظیر بین واژه های: نقطه، ادوار، خط پرگار که اصطلاحات هندسه هستند.

- قوام چرخ بود بر ستون خیمه فقر باستقامت این خیمه بارگاهی نیست

(همان: ۱۸۱)

مراعات نظیر میان واژگان: ستون، خیمه، بارگاه که اصطلاحات مربوط به قصر پادشاه هستند.

نتیجه.

با مطالعه دیوان صفای اصفهانی به این نتیجه رسیدیم که او در کاربرد انواع مراعات نظیر تمام توان خود را به کار برده و از این آرایه بدیعی به صورت گسترده و متنوع بهره برده است که همین امر سبب شده تا سروده‌های وی از یکنواختی خارج شوند و به نوعی بوی تازگی و طراوت به خود گیرند. استفاده صفای اصفهانی از اصطلاحات مربوط به طبیعت به مخاطب حس طبیعت‌دوستی می‌دهد و در ادامه کاربرد اسامی پیامبران و امامان به صورت مراعات نظیر، در کنار اصطلاحات مذهبی، شور و صفای خاصی به اشعار او بخشیده که در این میان بهره‌گیری از اسامی پیامبران از بسامد بالاتری برخوردار است. وی همچنین به صورت گسترده از اصطلاحات مربوط به میخانه و ساقی به وفور استفاده کرده که این امر حکایت از روحیه خوش‌باشی شاعر را دارد. صفای اصفهانی همچنین از اصطلاحات مربوط به مکتب‌خانه و ابزارآلات جنگی به صورت مراعات نظیر استفاده کرده که این کاربردها نسبت به موارد بیان شده از کمیت پایینتری برخوردار است. بهره‌گیری از اعضای بدن به صورت مداوم نیز یکی دیگر از عناصر تنوع در کاربرد مراعات نظیر به شمار می‌رود که سروده‌های صفای اصفهانی را تحت تاثیر قرار داده است.

منابع.

۱. اکبری، زینب و ابوعلی، رجاء (۱۳۹۷). بلاغت تمثیل، در پرتو رویکردهای مختلف بلاغی. «دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان». سال ۹. شماره ۱۸. پاییز و زمستان. ۹۷. صص ۷-۳۸.

۲. خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمان. (۲۰۱۰م). **الایضاح فی علوم البلاغه**، با حواشی ابراهیم شمس الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. صفای اصفهانی، محمدحسین، (۱۳۳۷). دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء..
۴. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۵). **صور خیال در شعر فارسی**، ج ۳، تهران: آگاه.
۵. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). **نگاهی تازه به بدیع**. چاپ سیزدهم، تهران: فردوس.
۶. (۱۳۸۱). بیان. چاپ نهم، تهران: فردوس.
۷. عمارتی مقدم، داوود. (۱۳۹۵). **بلاغت: از آتن تا مدینه**. تهران: هرمس.
۸. فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵). **بلاغت تصویر**، تهران: سخن.
۹. کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۶۸). **بیان. زیبا شناسی سخن پارسی**. تهران: ماد.
۱۰. نوروزی، جهان بخش، (۱۳۷۸) **زیورهای سخن و گونه های شعر فارسی**. تهران انتشارات راهگشا
۱۱. وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵). **بدیع از دیدگاه زبان شناسی**. تهران: سمت
۱۲. همایی، جلال الدین. (۱۳۸۹). **معانی و بیان**، تهران: نشر هما.